

سیاست خارجی ایران و کشورهای آمریکایی لاتین؛ سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵
دکتر حسن شمسینی غیاثوند^۱ - ابوالفضل سلیمان فلاح^۲
تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۲ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۰/۲۲

چکیده:

سیاست خارجی کارآمد و مطلوب در عصر جهانی شدن با توجه به ارتباط با همه کشورهای جهان تحقق می‌یابد. ایران در دهه اخیر بنا به دلایل داخلی، منطقه‌ای و جهانی تلاش کرده است که روابط خود را با همه کشورها از جمله امریکای لاتین افزایش دهد. گرچه موفقیت‌هایی سیاسی و اقتصادی در این ارتباط حاصل شده است، اما باید خاطر نشان کرد که روابط ایران با آمریکای لاتین از گذشته تاکنون دستاورد محسوسی نداشته است. دلایل این امر را باید در موضوعاتی همچون دوری جغرافیایی از یکدیگر، فقدان پتانسیل‌های داخلی برای گسترش روابط اقتصادی و سیاسی، عدم آگاهی درست از مسایل و ظرفیت‌های یکدیگر و همچنین دخالت بازیگران جهانی از جمله امریکا جستجو کرد. در واقع روابط ایران با امریکای لاتین و همگرایی نسبی در برخی موضوعات بین‌المللی همچون تقابل با امریکا، ماهیت دولت‌ها، چگونگی توسعه اقتصادی، با چالش‌های اقتصادی و بنیادینی از قبیل آشنایی ناکافی از قابلیت‌های اقتصادی و ظرفیت‌های موجود در آمریکای لاتین، بی‌ثباتی سیاسی در کشورهای منطقه و تغییرات در کابینه دولت‌ها، نوع بلوک بندی جهانی، نفوذ حداکثری چینی‌ها و ژاپنی‌ها و آمریکایی در بازارهای این مناطق مواجه است.

واژگان کلیدی: ایران، امریکای لاتین، سیاست خارجی، احمدی نژاد، روحانی، امریکا

^۱ - استادیار و عضو هیئت علمی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، تاکستان، قزوین، ایران
shamsini_h@yahoo.com

^۲ - کارشناس ارشد روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

مقدمه:

با توجه به در حال گذار بودن جهان و تغییرات دائمی در محیط بین‌المللی در تمام زمینه‌های سیاسی امنیتی و اقتصادی و پویایی تحولات و رویدادهای جهانی و همچنین برخی متغیرهای دیگر مانند اقدامات خصمانه دشمن از جمله تحریم‌ها که ممکن است در اجرای برنامه تأثیرگذار باشد، سعی شده است تا سیاست‌ها در چارچوب برنامه‌های اجرایی کوتاه مدت (بین ۱ تا ۲ سال) به منظور نیل به راهبردهای میان مدت به نحوی تدوین گردید که قابل انطباق سریع با شرایط جدید باشد. برنامه فوق به نحوی تهیه گردیده است که از جهت میزان موفقیت و یا عدم موفقیت و دلایل و موانع عدم موفقیت احتمالی قابل محاسبه و ارزیابی دوره‌های بوده و در صورت لزوم قابلیت بازنگری و تغییر در اهداف و اولویت‌ها را دارا باشد. از دیگر ویژگی‌های این برنامه میان مدت، فعال و معطوف به آینده، قابل حصول و دسترسی بودن اهداف، داشتن قابلیت ارزیابی و دربرگیرنده نگاه به شرایط حال و پیش‌بینی آینده با در نظر گرفتن فرصت‌ها و تهدیدات است. با توجه به پیش‌بینی احتمال فشارهای تحریمی و تهدیدی (احیاناً نظامی از نوع محدود یا گسترده) در مدت موردنظر برنامه، در صورت لزوم براساس آن دسته از اهداف برنامه که در جلوگیری و تقابل با اینگونه فشارها تأثیرگذاری بیشتری دارد، بعنوان اولویت‌های اصلی مشخص گردیده است. با عنایت به متغیر بودن محیط بین‌المللی و وجود ده‌ها متغیر دخیل در نظام‌های ملی - منطقه‌ای و بین‌المللی که رفتار کشورها را شکل داده و بر آن تأثیر می‌گذارند امکان تدوین راهبردهای ثابت و همیشگی وجود ندارد اما با این حال با توجه به آنکه در مرکز و هسته هر راهبردی در عرصه سیاست خارجی به خصوص در چارچوب نگرش رئالیستی و ساختارگرایی حاکم بر محیط بین‌المللی گسترش نفوذ، کاهش آسیب پذیری، توان ائتلاف سازی و پیشینه سازی قدرت یک هدف ثابت به شمار می‌رود، برنامه‌ها و اهداف درازمدت روابط با منطقه آمریکای لاتین را با توجه به روند همگرایی سیاسی و اقتصادی در آمریکای لاتین می‌توان تعیین و ترسیم نمود.

در راهبرد مذکور علیرغم تنوع و تعدد بازیگران و نهادهای مختلف در عرصه تصمیم‌گیری در سیاست خارجی دولت جمهوری اسلامی ایران؛ دستگاه دیپلماسی رسمی کشور به عنوان طراح، تنظیم‌کننده و هدایت‌کننده مناسبات با کشورها و سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و مجری اصلی اهداف سیاست خارجی است که البته وحدت نظر کلیه ارکان تصمیم‌گیرنده در سیاست خارجی کشور مفروضی مهم و اصلی است. هنگامی که از آمریکای لاتین سخن می‌-

گوییم باید توجه داشته باشیم که از یک کلیت سیاسی - اقتصادی یکپارچه و یا یک بلوک تجاری همگرا و متجانس که از لحاظ توسعه یافتگی در یک سطح باشد سخن نمی‌گوییم بلکه آمریکای لاتین بیشتر یک کلیت جغرافیایی با اجزایی متفاوت و در عین حال شبیه به یکدیگر است. این تفاوت‌ها و تشابهات عموماً ناشی از تجارب استعماری و استثماری متفاوت در اثر استیلای قدرت‌های بزرگ جهانی نظیر اسپانیا در قرن نوزدهم و آمریکا در قرن بیستم و به خصوص در نیمه دوم قرن در این منطقه بوده است. اکنون در آمریکای لاتین اعم از آمریکای جنوبی، مرکزی و کارائیب مجموعاً ۳۵ کشور با جمعیتی در حدود ۶۰۰ میلیون وجود دارد. بنابراین در این منطقه با ۳۵ بازیگر بین‌المللی روبرو هستیم که اگرچه برخی منافع، پیوندها و گذشته‌ای مشترک دارند با این حال هر کدام به صورت مجزا نیز در پی اهداف و منافع ملی خود هستند و به میزان قدرت خود در نظام بین‌المللی جایگاه و هویت خود در ساختار قدرت جهانی را تعیین و تعریف می‌نمایند و بدیهی است که این کشورها نیز همانند سایر بازیگران بین‌المللی در پی آن هستند تا در نظام در حال گذار و در حال تحول بین‌المللی جایگاه خویش را ارتقا بخشند.

بیش از ۹۰ درصد از حجم و قدرت اقتصادی در آمریکای لاتین در اختیار ۶ کشور بزرگ این قاره یعنی برزیل، مکزیک، آرژانتین، شیلی، ونزوئلا و کلمبیا قرار دارد که براساس اولویت‌های خود در سیاست خارجی عمل می‌کنند و اگر این شش کشور را از فهرست کشورهای آمریکای لاتین حذف کنیم تقریباً چیز زیادی از این کلیت باقی نمی‌ماند و سایر بازیگران منطقه‌ای که عمدتاً شامل خرده کشورهای منطقه هستند، معمولاً سیاست‌های خود را در هماهنگی با این کشورها و با سایر قدرت‌های بزرگ جهانی تنظیم می‌کنند. بدیهی است برای اجرای یک سیاست خارجی موفق در آمریکای لاتین لازم است روند تحولات و همکاری‌های منطقه‌ای و تلاش‌های منسجم یا پراکنده کشورهای منطقه برای نیل به اهدافی نظیر همگرایی سیاسی، تجاری، اقتصادی، کشف نقاط افتراق و اشتراک دولت‌ها و ملت‌های منطقه، تضاد و تعارضات بازیگران عمده منطقه و همچنین روابط آنها با قدرت‌های بزرگ جهانی اتحادیه‌های اقتصادی و سازمان‌ها و نهادهای سیاسی و اقتصادی بین‌المللی به طور دقیق رصد و پیگیری و مورد توجه قرار گیرد. جمهوری اسلامی ایران در راستای پیشبرد و تحقق اهداف و مبنای کلان سیاست خارجی خود و نیل به آنها که تحکیم و تعمیق روابط با کشورهای در حال توسعه، بویژه کشورهایی که از پیشینه مبارزاتی با استعمار و کاپیتالیسم جهانی برخوردارند، یکی از آنها می‌باشد.

نو واقع‌گرایی

نو واقع‌گرایی که همچنان دولت را به عنوان بازیگر اصلی صحنه سیاست بین‌الملل می‌داند روایتی قدرتمند از واقع‌گرایی است که می‌گوید تا وقتی نظام بین‌الملل اقتدار گریز باشد کشمکش بر سر قدرت و امنیت ادامه خواهد داشت. نوواقع‌گرایی عمیق‌ترین و دقیق‌ترین نقدها را بر پروژه‌های اصلاح طلبانه در سیاست بین‌الملل وارد ساخته است. از همین رو شگفت‌آور نیست که این مکتب آماج اصلی حمله کسانی قرار گرفته است که چارچوب ذهنی‌شان اصلاح‌طلبانه یا انتقادی است. این نظریه که محصول چالش نظریه رفتاری و نظریه وابستگی متقابل است به رغم انتقاداتی که از منظرهای گوناگون بر آن شده است، کماکان توانسته سلطه خود را حفظ نماید. نظریه واقع‌گرایی پس از جنگ جهانی دوم به عنوان اندیشه مسلط در روابط بین‌الملل جایگاه ویژه‌ای یافت و توجه پژوهشگران روابط بین‌الملل را به خود معطوف داشت. اما با ظهور انقلاب رفتاری در حوزه روابط بین‌الملل و چالشی روش‌شناسانه بر واقع‌گرایی در دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ و سپس چالش هستی‌شناسانه مکتب وابستگی متقابل بر واقع‌گرایی در دهه ۱۹۷۰، این نظریه با مشکلات عمده‌ای روبرو شد و تا حدودی به حاشیه رفت و به بازسازی خود مشغول شد. در سال ۱۹۷۹، کنت والتز نظریه پرداز مشهور واقع‌گرا با نگارش کتاب نظریه سیاست بین‌الملل، واقع‌گرایی را از انزوای خارج ساخته و نظریه نو واقع‌گرایی یا واقع‌گرایی ساختاری را عرضه کرد.

نو واقع‌گرایی چه به عنوان یک فلسفه و چه به عنوان یک نگرش، نشأت گرفته از برخی محدودیت‌های سنت واقع‌گرایی کلاسیک است. بدون شک فلسفه واقع‌گرایی سیاسی ریشه در عهد باستان داشته و به آثار توسیدید برمی‌گردد. فلسفه واقع‌گرایی سیاسی توسط هانس جی مورگنتا شناسانده و شهرت جاودانه پیدا کرد. در رأس این فلسفه یک منطق هستی‌شناسانه دوگانه نهفته است که عملاً تمایز میان حوزه واقعیت تجربی و حوزه دانش تجربه را نهادینه می‌کند. (George, 1993: 202) نوواقع‌گرایی از نظر جهت و قلمرو با واقع‌گرایی کلاسیک تفاوت چندانی ندارد. اول به دلیل اینکه نوواقع‌گرایی از واقعیت یکسانی صحبت می‌کند، به جریان انداختن اصل کهن قدرت و برشمردن آئین مشابه با تفاوتی مختصر و ظاهراً با ترمینولوژی پیچیده‌تر. دوم، نوواقع‌گرایی از اصل پیشگام فکری پرستش کورکورانه قدرت، دل‌بستگی غیرانتقادی نسبت به دولت و نهایتاً شناسایی قاطع از اولویت سیاسی می‌آموزد و وام می‌گیرد.

عناصر اصلی نظریه نوواقع گرایی

کنت والتز پس از نقد نظریه‌های تقلیل‌گرا بر اهمیت نظریه سیستمی و ساختاری سیستم تأکید می‌کند. به عقیده او نظریه سیستمی سیاست بین‌الملل با نیروهایی سر و کار دارد که در سطح بین‌المللی ایفای نقش می‌کنند و نه در سطح ملی. در نظریه والتز، واحدها نقش عمده‌ای در تعیین ساختارهای سیستم ایفا نمی‌کنند و تغییر در سطح واحدها به تغییر در سطح ساختارهای سیستم منجر نمی‌شود. برعکس سیستم بین‌المللی و ساختارهای آن بر رفتار دولت‌ها تأثیر می‌گذارند و با قید و بندهایی که بر رفتار دولت‌ها اعمال می‌کنند روابط بین‌المللی را شکل می‌دهند و رفتار دولت‌ها را یکسان و شبیه به هم می‌سازند. در نظریه والتز، سیستم به عنوان یک کل دارای اجزای مرتبط به هم در نظر گرفته شده است. این ساختارها هستند که در درون سیستم بر عمل واحدها اثر گذاشته و رفتار آنها را شکل می‌دهند. بر همین اساس، تعریف والتز از سیستم ارتباط تنگاتنگی با تعریف او از ساختارهای سیستم و نقش تعیین کننده این ساختارها بر اجزا و واحدهای سیستم دارد. (ashly, 1984) شکل‌گیری انقلاب رفتاری در دهه ۱۹۶۰ و نقدها بر واقع‌گرایی کلاسیک در اوایل دهه ۱۹۷۰ واقع‌گرایان را به تکاپو و داشت با ارائه نظریه نظامند، جان تازه‌ای به مکتب واقع‌گرایی بخشید. پیشگام این تلاش نظری، کنت والتز است که با نگارش کتابی به نام **نظریه سیاست بین‌الملل** سرآغاز تحولی تعیین کننده در مکتب واقع‌گرایی در روابط بین‌الملل گردید.

جایگاه امریکای لاتین

مجموعه‌ای از ۳۴ کشور از آمریکای شمالی، آمریکای مرکزی، حوزه کارائیب و جنوب آمریکا، امریکای لاتین نامیده می‌شود. این کشورها عبارتند از: آرژانتین، برزیل، بولیوی، کلمبیا، کاستاریکا، کوبا، شیلی، اکوادور، السالوادور، گواتمالا، هندوراس، مکزیک، نیکاراگوئه، پاناما، پاراگوئه، پرو، پورتوریکو، جمهوری دومینیک، اروگوئه، ونزوئلا، آنتیگو وبربودا، باهاماس، باربادوس، بلیز، دومینیکا، گرانادا، گویانیا، هائیتی، جامائیکا، سن کیستونویس، سان ویسنت، سانتالوسیا، سورینام، ترینیداد و توباگو. مطالعه رفتار خارجی کشورهای منطقه آمریکای لاتین، بیانگر این واقعیت است که تحت تأثیر پایان جنگ سرد، گرایش جدیدی در میان کشورهای منطقه دیده می‌شود که حاکی از ارائه تعریفی جدید از جایگاه منطقه آمریکای لاتین در نظام بین‌الملل از سوی کشورهای منطقه است. آمریکای لاتین که چندین قرن استعمار پرتغال، اسپانیا، فرانسه، انگلیس و آمریکا را تجربه

نموده، رویکرد جدیدی را برای پایان دادن بر سلطه استعمارگران در پیش گرفته است. این رویکرد که با مخالفت کشورهای منطقه با طرح اقتصاد آزاد آمریکا در اجلاس آمریکای لاتین، تشکیل شبکه ماهواره‌ای مشترک برای مقابله با غرب، آغاز شده بود با تغییر دولتمردان و ساختارهای سیاسی کشورهای این حوزه سیاستمداران و به سیاستمداران و دولت‌های چپ‌گرا و استکبارستیز نظیر «اوومورالس» در بولیوی، «مشیله باچلت» در شیلی و تغییرات احتمالی در پرو، اکوادور، مکزیک و کلمبیا، روبه تکامل می‌رود. با توجه به تغییرات ایجاد شده در ساختار سیاسی و نگرش آمریکای لاتین از یک سو و روی کار آمدن دولت جدید در ایران، آنچه در این میان می‌تواند قابل تأمل باشد، عملکرد و مواضع جمهوری اسلامی ایران و نقش آمریکای لاتین در سیاست خارجی آن می‌باشد. در مقطع کنونی عواملی نظیر تدوین سیاست رویکرد به شرق و دوری از اروپا و نقشی که آمریکای لاتین در تحقق این امر می‌تواند داشته باشد حضور دولت‌های ضداستعماری در ونزوئلا، کوبا، شیلی و بولیوی و خواست افکار عمومی و نخبگان آنها برای مقابله با آمریکا، می‌طلبد تا سیاست‌های جدید و کلانی در ارتباط با حوزه آمریکای لاتین، در دستگاه سیاست خارجی ایران تدوین گردد.

عناصر تاثیرگذار بر سیاست خارجی ایران در آمریکای لاتین

آمریکای لاتین از جمله مناطقی در دنیا است که از دیرباز، در قرون بیست و بیست و یکم، علیرغم فاصله جغرافیایی زیاد، همواره به دلایل مختلف در کانون توجه جمهوری اسلامی ایران قرار داشته است. آنچه پیوند کشورمان و آن منطقه را تاکنون ثابت نگه داشته است، وجود اشتراکات متعدد در بسیاری از زمینه‌های فرهنگی، ایدئولوژیک و سیاسی است. پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ میلادی، مصادف با تحولات عظیم و مبارزات اجتماعی و نسبتاً همسو در آمریکای لاتین بود؛ رخدادهایی که بعداً خود دلیل گستردگی مناسبات ایران و آن منطقه شد. در دولت‌های نهم و دهم جمهوری اسلامی، توسعه روابط با آمریکای لاتین رو به افزایش بود. ایران در این مدت، با بهره‌گیری از وجود گرایش‌های انقلابی و ضد امپریالیستی دول چپ‌گرای آمریکای لاتین، ارتباط خود را با این کشورها، علی‌الخصوص اعضای اصلی اتحاد آلبا و برخی اعضای جنبش عدم تعهد با ونزوئلا، بولیوی، اکوادور، کوبا و نیکاراگوئه تعمیق بخشید و اینگونه موجبات نگرانی شدید آمریکا را فراهم آورد.

برخی از زمینه‌ها و فرصت‌های همکاری برای ایران و آمریکای لاتین بدین شرح است:

۱- حکومت‌های چپ‌گرای مخالف آمریکا؛ این کشورها که در قالب اتحادیه‌ها دور هم گرد می‌آمدند، در مجموع ۱۴ دولت چپ‌گرا (تندرو و میانه‌رو) را تشکیل می‌دادند که هم پیمانی با آمریکا را هدف سیاست خارجی خود نمی‌دانستند.

۲- عامل اسلام (دیپلماسی عمومی، فرهنگی و دینی): جمعیت نزدیک به ۳۰ میلیون نفری مسلمانان و اعراب مهاجر در میان مردمان آمریکای لاتین، خود بهانه‌ای برای توجه بیشتر به این منطقه شد.

۳- عامل اقتصادی و تجاری: فرصت سوم مسئله مناسبات اقتصادی-تجاری و همکاری‌های فنی بود. برای مثال حجم مبادلات تجاری ایران و آمریکای لاتین از ۹۰۰ میلیون دلار در سال ۲۰۰۰ به نزدیک ۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۳ رسید. خدمات فنی و مهندسی ایران در منطقه و افزایش واردات از آن کشورها موجب توسعه روابط همه جانبه اقتصادی طرفین و کاهش اثر تحریم‌های ظالمانه آمریکا علیه کشورمان گردید.

مهمترین مؤلفه‌های سیاست خارجی جدید آمریکای لاتین عبارت‌اند از:

الف: تلاش برای به دست آوردن نقش مستقل در سیاستگذاری و خروج از فشار عوامل

خارجی

ب: تلاش برای اثرگذاری بیشتر در صحنه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی

ج: تلاش برای به دست آوردن جایگاه مناسب در تجارت جهانی

د: تقویت پیوندهای دوستی و تحکیم روابط با کشورهای خارج از حوزه سنتی (آمریکا و

اروپا)

و: ایجاد همگرایی و مطرح شدن آمریکای لاتین در نظام بین‌المللی به عنوان یک زیر

سیستم (محمدی، ۱۳۸۵-۱۳۸۹: ۲۳)

ه: تضمین رشد و جهش اقتصادی

موقعیت فعلی روابط ایران با آمریکای لاتین

از سال ۲۰۰۲ تحولات سیاسی در منطقه آمریکای لاتین به گونه‌ای شکل گرفت که منجر به قدرت رسیدن احزاب چپی شد. روی کار آمدن لولا در برزیل، واسکز در اروگوئه، کریشنر در آرژانتین، مورالس در بولیوی، کورا در اکوادور و دانیل اورتگا در نیکاراگوئه و از همه مهمتر تحکیم و بسط قدرت چاوز به عنوان مرکز ایده همگرایی منطقه‌ای بر محور ایده‌های سیمون بولیوار

همگی حکایت از این موضوع دارد که گروه ناسیونالیست‌ها و سوسیالیست‌ها در منطقه در حال ایجاد اتحادیه‌ای سیاسی از هم‌مسئله‌کنانی هستند که در نظام بین‌الملل جدید به دنبال هویت جدید و مستقل از قدرتهای نظام بین‌المللی هستند. گذشته از اینکه این گروه تا چه حد می‌توانند بر عوامل تحدید کننده برای تحقق آرزوهای خود فائق آیند یا اینکه فریادهای عدالت‌طلبانه این مجموعه از نظام بین‌المللی تا چه حد اثرگذار است، بازتاب آن در ایران طنین انداز شده و به نوعی هم‌جبهه‌گی بین ملت‌ها و متعاقباً دولت‌های دوطرف رهنمون شده است. تحولات سیاسی در آمریکای لاتین در ایران مورد توجه جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته است. از دیدگاه سیاست خارجی جدید ایران، منطقه آمریکای لاتین دارای توانمندی‌های بالقوه و بالفعل بسیاری است که می‌تواند موجد همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه بین ایران و منطقه باشد. در همین راستا ایران با رویکردهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی سعی داشته است تا با تحکیم روابط با کشورهای آمریکای لاتین، ضمن توسعه و تحکیم روابط خود با کشورهایی که از خود تمایلات انقلابی نشان می‌دهند، در کنار آنها جبهه جدیدی را در صحنه جهانی علیه آمریکا و نظام ناعادلانه بین‌المللی ایجاد کند. (باقری، ۱۳۹۳: ۱۳۷)

از آنجا که نظام سلطه جهانی، در دنیای آشفته امروز بعضاً تهدیدات متنوعی حول منافع و تمامیت ارضی جمهوری اسلامی ایران سازماندهی می‌کند، روشن‌ترین اصل در تنظیم هر راهبرد سیاست خارجی، تهدیدزدایی و به کار بردن دیپلماسی خلاق محور و ابتکاری است. از سوی دیگر با در نظر داشتن اینکه حوزه سیاست خارجی ایران بعضاً با مسائل امنیتی در سطح منطقه و جهانی پیوند خورده است، لازم است دیپلماسی ایران نیز در این ارتباط با دقت بیشتری مسائلی را که در حوزه امنیتی جمهوری اسلامی ایران تاثیرگذار هستند، مورد توجه قرار دهد. اگرچه منطقه آمریکای لاتین در دایره اولیه حوزه امنیتی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران قرار ندارد و تهدیدات نظامی و اقتصادی علیه کشورمان از سوی کشورهای این منطقه متصور نیست، لیکن برخی مسائل به طور غیر مستقیم بر منافع و امنیت تمامی کشورها تأثیرگذار خواهد بود. اولین مورد از پیوند مسائل ایران با دیگر مناطق جهان، موضوع هسته‌ای ایران است. به خوبی می‌دانیم که تعدادی از کشورهای منطقه اعضای شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای هستند؛ در همین ارتباط، تعداد دیگری از کشورهای منطقه جزو اعضای غیردائم شورای امنیت هستند، از این رو، نقش سیاسی و مواضع این کشورها در طرح احتمالی هر اقدامی علیه یا به نفع کشورمان در شورای امنیت و شورای حکام تأثیرگذار است.

با این حساب، تهدیدزدایی از یکسو و ایجاد روندهای جدید در نظام بین‌المللی از دیگرسو و جلب نظر مساعد کشورهای هم‌جبهه در رفع تهدیدات علیه منافع و امنیت کشورمان ضروری است. (عبدالهی، ۱۳۹۰: ۹۹)

۲) فرصت‌سازی و ایجاد ظرفیت‌های نوین متقابل

با توجه به پتانسیل‌های سیاسی و اقتصادی و زیرساخت سیاسی مناسب کنونی در منطقه، دولت ایران کوشیده است در تعامل با کشورهای دوست از جمله بولیوی به چارچوبی دست یابد که ایران بتواند براساس امکانات موجود در منطقه، فضای مناسبی را برای فعال نمودن سیاست خارجی خود فراهم کند.

۳) گسترش عمق استراتژیک جمهوری اسلامی

ضمن تهدیدزدایی و فرصت‌سازی به عنوان اولویت‌های اولیه سیاست خارجی که در برگیرنده منافع فوری و دفع خطرهای سریع است، ایران نیازمند این است که با ساز و کارهای بلندمدت از جمله راهبردهای فرهنگی، ابزار تجاری و اقتصادی (از جمله سرمایه‌گذاری مشترک) و تقویت دیپلماسی عمومی در منطقه، به جایگاهی برسیم که بتوانیم موقعیت نفوذ را برای سیاست خارجی کشورمان در منطقه تعریف کنیم، تعریف موقعیت جدید باید به گونه‌ای باشد که به عمق استراتژیک جمهوری اسلامی منجر شود.

اهداف کلی برنامه روابط جمهوری اسلامی ایران با کشورهای منطقه آمریکای لاتین

با توجه به محورهای سه‌گانه فوق به منظور برنامه ریزی و تنظیم روابط دو جانبه کشورمان با کشورهای منطقه آمریکای لاتین در سه محور سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و رسانه‌ای، اهداف کلی زیر مورد توجه قرار گرفته است:

الف) سیاسی

۱- توسعه روابط منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران با آمریکای لاتین به منظور اتخاذ مواضع مشترک در خصوص مسائل مهم بین‌المللی.

۲- استفاده از پتانسیل‌های سیاسی منطقه برای کسب حمایت در مجامع بین‌المللی و بهره‌برداری از قدرت مجموعه‌ای و انفرادی کشورهای منطقه آمریکای لاتین برای حل مسائل بین‌المللی ایران از جمله حقوق بشر و پرونده هسته‌ای و تحقق اهداف ملی جمهوری اسلامی ایران از یکسو و حمایت ایران از هویت، استقلال و پیشرفت کشورهای آمریکای لاتین از دیگرسو.

۳- تقویت روابط سیاسی با پیمان‌های سیاسی منطقه‌ای نظیر گروه ریو به منظور استفاده از لابی منطقه‌ای در سطح بین‌المللی و روابط دوجانبه.

ب) اقتصادی

توسعه روابط اقتصادی به منظور متنوع سازی در روابط تجاری و ایجاد شرکت‌های مختلط برای سرمایه‌گذاری مشترک. در این زمینه همکاری‌های منطقه‌ای از جمله ایجاد زمینه برای همکاری‌های بلوکی بین اکو و مرکوسور در بلندمدت در نظر گرفته می‌شود. با توجه به موقعیت و توانمندی‌های اقتصادی و تجاری آمریکای لاتین به عنوان یک بلوک قوی در اقتصاد جهانی و همچنین توانمندی‌های ایران در منطقه، به عنوان دروازه ورود به آسیای میانه و قفقاز، امکانات ترانزیت کالا به شمال از طریق خلیج فارس و زمینه‌های موجود سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد تجاری و صنعتی، روابط محکمی در آینده پیش‌بینی می‌شود. (باقری، ۱۳۹۳: ۱۷۸)

ج) فرهنگی

با توجه به اینکه چهره ایران طی مدت ۳۲ سال گذشته، همواره مورد تهاجم دشمنان قرار داشته، تصویر موجود از ایران در منطقه براساس تبلیغات منفی دستگاه‌های خبری و اطلاعاتی غربی و عمدتاً آمریکا شکل گرفته است. بنابراین یکی از اهداف عمده ایران، دادن اطلاعات و شناخت کافی از فرهنگ، هنر و سابقه کهن ایران در تاریخ تمدن جهانی از یک سو و آشنایی آنان با ایران از سوی دیگر است. این بعد از روابط با توجه به نقش خطیر افکار عمومی در شکل‌دهی و پشتیبانی از یک رابطه سالم و متوازن و پایدار از اهمیت بسیاری برخوردار است. از این رو اهداف زیر در بعد فرهنگی و رسانه‌ای مورد توجه قرار گرفته است:

- ۱- نمایاندن چهره حقیقی دولت و ملت بزرگ ایران در منطقه
- ۲- توسعه دیپلماسی عمومی برای اثرگذاری بر دیپلماسی رسمی
- ۳- نفوذ فرهنگی و تلاش برای بسط گفتمان عدالت به منظور ایجاد روندهای جدید برای جلوگیری از گسترش نظام ناعادلانه جهانی

جایگاه آمریکای لاتین در سیاست خارجی ج.ا.ایران

در این زمینه، جمهوری اسلامی ایران با برقراری روابط سیاسی و اقتصادی خود با چهار کشور کوبا، بولیوی، ونزوئلا و نیکاراگوئه طی سال‌های اخیر نفوذ خود در این منطقه را افزایش

داده است و میزان روابط تجاری خود با این منطقه را طی سال‌های اخیر به سه برابر رسانیده است؛ به گونه‌ای که تنها در سال ۲۰۱۰ این رقم ۳.۵ میلیارد دلار بوده است. نقطه تحول در روابط ایران و آمریکای لاتین را می‌توان همزمان با روی کار آمدن هوگو چاوز در ونزوئلا در سال ۱۹۹۸ (۱۳۷۷) دانست. اما گسترش روابط را باید در چند سال اخیر جست و جو کرد، که بیش از ۲۵۰ توافقنامه تجاری با کشورهای آمریکای لاتین به امضا رسیده است، کما اینکه تعداد سفارتخانه‌های ایران در آمریکای لاتین نیز فقط بین سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۰ دو برابر شده است. (باقری، ۱۳۹۳: ۱۸۹)

افزایش رابطه ایران و آمریکای لاتین در دهه هشتاد

ایجاد ادبیات مشترک عدالتخواهانه و مبارزه با طبقاتی شدن نظام بین‌الملل از جمله مؤلفه‌های بسط روابط خارجی از سوی دولت نهم در آمریکای لاتین به شمار می‌آید؛ منطقه‌ای استراتژیک که روزگاری حیاط خلوت آمریکا محسوب می‌شد، اما اینک به حیاط قدرت‌نمایی کشورهای ضدآمریکایی بدل شده است. تحولات و روابط ناعادلانه جهانی براساس نظم سلطه و نظام تک قطبی به سرکردگی آمریکا و همچنین برخوردها و تحریم‌های به عمل آمده علیه کشورهای مستقل، دولت نهم را بر آن داشت تا به سمت همگرایی و همبستگی‌های جهانی و منطقه‌ای گام بردارد.

ایجاد ادبیات مشترک حول بسط عدالت و مبارزه با طبقاتی شدن نظام بین‌الملل از جمله مؤلفه‌های بسط روابط خارجی از سوی دولت نهم در آمریکای لاتین به شمار می‌آید؛ منطقه‌ای استراتژیک که روزگاری حیاط خلوت آمریکا محسوب می‌شد، اما اینک به حیاط قدرت‌نمایی کشورهای ضد سلطه به خصوص ضد سلطه آمریکا بدل شده است. این اقدام جمهوری اسلامی ایران در شکل‌دهی همکاری‌های دو جانبه و چندجانبه با کشورهای آمریکای لاتین، سبب‌ساز دستاوردهای بیشماری در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی شده و چشم‌انداز درخشان‌تری را نوید می‌دهد. فصل نوین مناسبات ایران و آمریکای لاتین از چه براهینی تبعیت می‌کند؟ آیا روابط ایران و آمریکای لاتین آنگونه که منتقدین و مخالفین دولت نهم ادعا می‌کنند، فاقد مبانی و وجاهت‌های معطوف به منافع ملی است. در گزارش زیر که به مناسبت هفته دولت منتشر می‌شود، با استفاده از گزارشات اداره کل آمریکای وزارت امور خارجه، ضمن شرح اجمالی تاریخچه و ماهیت روابط ایران و کشورهای آمریکای لاتین، دستاوردهای دولت نهم در

دور نوین مناسبات جمهوری اسلامی با این کشورها منتشر می‌شود. (باقری و شفیعی، ۱۳۹۳: ۱۹۸)

اگرچه منطقه آمریکای لاتین در دایره اولیه حوزه امنیتی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران قرار ندارد و تهدیدات نظامی و اقتصادی علیه کشورمان از سوی کشورهای این منطقه متصور نیست، لیکن برخی مسائل به طور غیر مستقیم بر منافع و امنیت تمامی کشورها تأثیرگذار خواهد بود.

اولین مورد از پیوند مسائل ایران با دیگر مناطق جهان، موضوع هسته‌ای ایران است. به خوبی می‌دانیم که تعدادی از کشورهای منطقه از جمله برزیل، آرژانتین، ونزوئلا و کوبا اعضای شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای هستند؛ در همین ارتباط، تعداد دیگری از کشورهای منطقه از جمله برزیل، آرژانتین جزو اعضای غیردائم شورای امنیت هستند، از این رو، نقش سیاسی و مواضع این کشورها در طرح احتمالی هر اقدامی علیه یا به نفع کشورمان در شورای امنیت و شورای حکام تأثیرگذار است. با این حساب، تهدیدزدایی از یکسو و ایجاد روندهای جدید در نظام بین‌المللی از دیگرسو و جلب نظر مساعد کشورهای هم‌جبهه در رفع تهدیدات علیه منافع و امنیت کشورمان ضروری است.

روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای آمریکای لاتین

ایجاد ادبیات مشترک عدالتخواهانه و مبارزه با طبقاتی شدن نظام بین‌الملل از جمله مؤلفه‌های بسط روابط خارجی به شمار می‌آید؛ منطقه‌ای استراتژیک که روزگاری حیاط خلوت آمریکا محسوب می‌شد، اما اینک به حیاط قدرت‌نمایی کشورهای ضدآمریکای بدل شده است. تحولات و روابط ناآعادانه جهانی براساس نظم سلطه و نظام تک قطبی به سرکردگی آمریکا و همچنین برخوردها و تحریم‌های به عمل آمده علیه کشورهای مستقل، ایران را بر آن داشت تا به سمت همگرایی و همبستگی‌های جهانی و منطقه‌ای گام بردارد. این اقدام جمهوری اسلامی ایران در شکل‌دهی همکاری‌های دو جانبه و چندجانبه با کشورهای آمریکای لاتین، سبب‌ساز دستاوردهای عدیده‌ای در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی شده و چشم‌انداز درخشان‌تری را نوید می‌دهد. برنامه‌های اجرایی روابط دو جانبه ایران و کشورهای آمریکای لاتین (عیوضی، ۱۳۸۷: ۶۶) تهران تعداد سفارت‌های خود در کشورهای آمریکای جنوبی را از ۶ سفارت در سال ۲۰۰۵ (۱۳۸۴) به ۱۰ سفارت (کوبا، مکزیک، نیکاراگوئه، آرژانتین، بولیوی، اروگوئه، ونزوئلا، شیلی،

اکوادور و کلمبیا) در سال جاری میلادی، افزایش داده است و در کشور خود میزبان ۹ نمایندگی از آمریکای لاتین است (کوبا، مکزیک، نیکاراگوئه، آرژانتین، بولیوی، اروگوئه، ونزوئلا، اکوادور و کلمبیا). ایران همچنین تاکنون ۸۰ مرکز اسلامی را برای تبلیغ دین مبین اسلام در این منطقه دایر کرده است. این در حالی است که تعداد این مراکز اسلامی تا سال ۲۰۱۲ (۱۳۹۱) تنها ۳۶ عدد بود. این ارقام رشد ۱۰۰ درصدی تعداد مراکز اسلامی تأسیس شده به وسیله ایران در منطقه آمریکای لاتین را نشان می‌دهد. تهران در تمامی کشورهای این منطقه حضوری فعال و تأثیرگذار دارد.

طبق آمار اتاق بازرگانی تهران در زمینه تجاری و اقتصادی، برزیل و آرژانتین مهم‌ترین شریک ایران در منطقه آمریکای جنوبی در سال‌های اخیر بوده‌اند. حجم روابط اقتصادی دوجانبه با برزیل در سال بالغ بر یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار است و هم‌اکنون بیشترین سهم در واردات و صادرات ایران متعلق به این کشور است. طبق آمار رسمی اتاق بازرگانی ایران در ده ماهه اول سال ۹۴، ارزش واردات ایران از برزیل ۳۴۶,۴۵۰,۴۹۹ دلار و سهم این کشور از صادرات کالاهای ایران ۱۸,۷۴۹,۶۶۰ دلار بوده است. این در حالی است که سال ۲۰۰۹ صادرات ایران به برزیل ۱۸ میلیون و ۹۷۸ هزار دلار و واردات از برزیل یک میلیارد و ۲۱۸ میلیون دلار بوده است. در سال ۲۰۱۰ واردات ایران از این کشور روند افزایشی پیدا کرد و به ۱۲۳ میلیون و ۳۴۵ هزار تومان رسید و صادرات برزیل به ایران نیز به دو میلیارد و ۱۲۰ میلیون دلار افزایش یافت. این روند در سال ۲۰۱۱ ادامه یافت و ۳۲ میلیون و ۲۴۵ هزار دلار بود و صادرات برزیل به ایران نیز دو میلیارد و ۳۳۲ میلیون دلار شد.

شایان ذکر است سطح مبادلات تجاری میان دو کشور ایران و برزیل از میزان ۲.۳۶۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۲، به ۱.۴۴۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۴ میلادی کاهش یافت که بخشی از کم‌رنگ شدن مبادلات بین دو کشور به واسطه تحریم‌های بین‌المللی اعمال شده علیه ایران بوده است. [۲۳]. این آمارها نشان می‌دهد که روابط تجاری ایران و برزیل در دوران تحریم‌های اقتصادی متوقف نمانده و حتی صادرات برزیل به ایران در این دوره با افزایش همراه شده است و امروز در سطح نسبتاً بالایی است. ونزوئلا و ایران دو کشور متحد در سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) هستند و بدون تردید جزو بزرگ‌ترین دارندگان ذخایر نفت و گاز جهان هستند. دو کشور در سال ۲۰۱۰ بر سر سرمایه‌گذاری ۷۶۰ میلیون دلاری در بخش انرژی دو کشور به توافق‌هایی دست یافتند. ونزوئلا نیز قول داد روزانه ۲۰ هزار بشکه بنزین به

ارزش مجموع ۸۰۰ میلیون دلار به ایران صادر کند. کاهش اخیر قیمت نفت مشکلات زیادی را برای کشورهای تولید کننده از جمله ونزوئلا که برای تأمین بودجه خود به درآمدهای نفتی وابسته هستند، ایجاد کرده است. این کشور در ماه نوامبر ۲۰۱۴ پیشنهاد کاهش تولید این سازمان برای افزایش قیمت نفت را ارائه داد اما این پیشنهاد از سوی عربستان که دیگر اعضای اوپک را به دفاع از سهم بازار در برابر تولیدکنندگان نفت شیل متقاعد کرد، رد شد.

در این سال‌ها طرح‌های اقتصادی متعددی میان ایران و ونزوئلا به امضا رسیده که از این جمله طرح توسعه صنعتی محور آبپوره - اورینوکو، ساخت ۷۰ هزار واحد مسکونی، همکاری‌های آب و برق، فرآورده‌های خون و انتقال فناوری، کمک‌های ایران به ونزوئلا شامل ساخت کارخانه مهمات، کارخانه مونتاژ خودرو و کارخانه سیمان بود. اما از سوی دیگر رکن الدین جوادی، معاون وزیر نفت دولت یازدهم، با تأیید تعطیل شدن دفتر شرکت ملی نفت ایران در آمریکای جنوبی، گفته بود: «از بولیوی خارج شده‌ایم و دفتر بولیوی تعطیل شده است، ضمن آن که بسیاری از دفاتر دیگر نفتی آمریکای لاتین به دلیل غیر اقتصادی بودن به تدریج تعطیل می‌شوند». مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران با اعلام این که سرمایه‌گذاری نفتی در منطقه آمریکای جنوبی واقعاً توجیه اقتصادی نداشت و بیشتر به پشتوانه اهداف سیاسی دنبال می‌شد، تأکید کرده بود: «شرکت ملی نفت ایران را باید اقتصادی اداره کرد نه سیاسی».

در ادامه توقف فعالیت‌های نفتی ایران در منطقه آمریکای جنوبی، تأخیرهای متعدد سرمایه‌گذاران ونزوئلایی در طرح ساخت پتروشیمی ونیران هم با واکنش مسئولان شرکت ملی صنایع پتروشیمی روبرو شده است. برای اجرای این پروژه پتروشیمیایی، پس از تأسیس شرکت مشترک «ونیران»، شرکت پتروشیمی بین‌الملل ایران ۴۹ درصد، سرمایه‌گذاری صنایع پتروشیمی ۱ درصد، پکی ون ونزوئلا ۴۹ درصد و شرکت سرمایه‌گذاری ونزوئلا (آی. پی. اچ. ال) یک درصد سهم این طرح را در اختیار گرفتند. اما با گذشت هفت سال از آغاز کلنگ زنی این پروژه پتروشیمیایی عسلویه، تاکنون هیچ‌گونه پیشرفت اجرایی حاصل نشده و علاوه بر این هنوز اقدامی در راستای تأمین منابع مالی و اعتباری این طرح نفتی نیز صورت نگرفته است. با این حال، علی‌رغم کاهش شدید قیمت نفت خام در بازار جهانی و تکاپوی ونزوئلا (کشوری که قریب ۹۰٪ درآمد خود را از نفت حاصل می‌کند) برای ثبات قیمت طلای سیاه، وزیر نفت ایران، بیژن زنگنه اعلام کرد که ایران از تلاش ونزوئلا برای بهبود بازار نفت حمایت می‌کند. از سویی دیگر،

مقام‌های کشور اکوادور افزون بر اعلام آمادگی برای خرید نفت خام ایران، خواستار همکاری تهران برای ساخت پالایشگاه در این کشور شدند.

آسیب شناسی روابط ایران و آمریکای لاتین

اگر به تاثیر عوامل بیرونی در روابط سیاسی کشورهای آمریکای لاتین و ایران در سال‌های گذشته بپردازیم روابط ایران با این کشورها تا حدی تحت تاثیر غرب و ایالات متحده آمریکا بوده است. تا قبل از دوره ۸ ساله دولت نهم و دهم روابط خط سیر منطقی و معمولی داشته و از افراط و تفریط پرهیز می‌شده، لاقلاً دولت‌ها سیاست خارجی را بهتر می‌شناختند، اما در ۸ سال اخیر میل به روابط به تندی به سمت افراط در روابط پیش رفته، در برخی جاها که منطقی منفعت‌گرایی برای کشور داشته مفید بوده، اما فراتر از آن بی‌ثمر است. من این مشکلات را به دلیل عدم شناخت برخی تصمیم‌گیران از فضای بین‌المللی می‌دانم. یکی از مطالبات موثر تجدید نظرطلبی در سیستم جهانی است، این تجدید نظرطلبی‌های بی‌پشتوانه قدرت ملی و سنجش توان ملی، در صحنه بین‌الملل تعبیر به ورودی یک آشوبگر به محیط می‌شود و موجب واکنش سخت بازیگران می‌شود. ما حتی در بررسی مسائل فرهنگی، اجتماعی، نوع نگاه این کشورها به ایالات متحده دچار اشتباه محاسباتی شده‌ایم. هر جایی که فردی یا کشوری پرچم مخالفت با ایالات متحده را بلند کرده، ما بدون نظر کارشناسی، بدون در نظر گرفتن شرایط منطقه‌ای و زمانی و بررسی و واکاوی دقیق ماهیت یک جریان با احساسات وارد معادله و بازی در شرایط شده‌ایم. چنانچه گاهی کشورهای غربی و ایالات متحده دوست دارند ما را تحریک به ورود به یک جریان کنند، حالا می‌خواهد بحران منطقه‌ای، جنگ یا اختلافات باشد.

نگرشی که این کشورها به ایالات متحده دارند، با ما تفاوت‌های بنیادین دارد. آنها به استثنای فرهنگ‌های محلی غالباً متأثر از فرهنگ آمریکایی هستند، چپ‌گرایی و مقابله با ایالات متحده تنها برای گرفتن استقلال طلبی است. اگر به همان میزان استقلال طلبی برسند، مانند برزیل یا آرژانتین خواهند شد، در نهایت باز بهترین تجارت، روابط را با ایالات متحده دارند. چرخش در سیاست خارجی آنها بسیار سریع است و مسائلشان با ما متفاوت است. با توجه به نفوذ قدرت‌های رقیب منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در کشورهای آمریکای لاتین، ایران چه حدی توانسته است در رقابت با رقیبان منطقه‌ای و بین‌المللی نفوذ سیاسی خود را در این کشورها افزایش دهد.

بخش گسترده‌ای از آن چه آنها نفوذ سیاسی جمهوری اسلامی می‌نامند، ناشی از بزرگ‌نمایی و اغراق رسانه‌های غربی است. آنها ایران را به انواع دخالت‌ها از گسترش تروریسم تا قاچاق مواد مخدر و سلاح متهم می‌کنند. اکنون پس از یک موج گسترده ضد ایرانی، وزارت خارجه آمریکا از کاهش یا نبودن فعالیت‌های تروریستی ایران و از دست دادن نفوذ صحبت می‌کند. نفوذ سیاسی را خود رسانه‌ها ساختند و حالا دارند خودشان به آن سناریو خاتمه می‌دهند. بنابراین اگر بخواهیم برآوردی منطقی و با نگاه به آمار داشته باشیم این چین و کره و تایوان هستند که بیشترین و بهترین تاثیر را دارند. شیوه تاثیرگذاری ایران در منطقه اکنون و در آینده تنها به یک شکل ممکن است. قدرت نرم و تبلیغ اسلام با قرائت رحمانی. ما ابتدا در داخل باید الگوی زیستی بسیار مطلوبی - حتی فراتر از ارزش‌های دموکراسی لیبرال - بسازیم، بعد آن را معرفی کنیم. این مسائل باید نمود عینی داشته باشد. همچنین باید واقع‌نمایی از منطقه داشته باشیم. آنها با محصولات فرهنگی آمریکایی و یا بومی خود زندگی می‌کنند، می‌توان آن را تغییر داد؟ اما در بحث رقابت آنها (آمریکایی‌ها) همه جا قدم به قدم ایران را تعقیب می‌کنند. همه جا با کارشکنی به گسترش تحریم می‌پردازند. این نفوذ تله است، ما باید هوشیار باشیم و با دیپلماسی فاخر و مقتدرانه برخورد کنیم. روابط موردی با ونزوئلا یا اکوادور را نمیتوان نفوذ نامید. آن را باید روابط ارتقا یافته یا خوب یا عالی توصیف کرد. واژه نفوذ ماهیتی منفی دارد. تاثیرگذاری واقعی زمانی مشخص می‌شود که در سازمان ملل یا شورای امنیت یا سایر جاها به ما رای مثبت بدهند و در زمان تحریم کمک کنند، دولت آمار شفاف و دقیق بدهد چند کشور از زمان تحریم‌های اقتصادی آمریکایی‌ها همراه واقعی بوده‌اند؟ و چه مقدار هزینه برای همراه کردن آنها شده است. (حسینی، ۱۳۹۲: ۱۴۸)

نگاهی به مواضع دولت‌های غربی اما واقعیت دیگری را بیان می‌کند که بر آن اساس، نمی‌توان یکسره تمام این سیاست‌ها را نفی کرد. یکی از محوری‌ترین این سیاست‌ها که هم اکنون نیز به معضلی برای آمریکا در نزدیکی مرزهایش تبدیل شده است، ارتباط صمیمانه ایران با کشورهای حوزه امریکای لاتین و ارتباط صمیمانه رییس‌جمهور ایران با سران این کشورها است. ایران و کشورهای حوزه امریکای لاتین چند سالی است که ارتباطات خوبی با هم برقرار ساخته و به تقویت جبهه ضد استکباری در این منطقه کمک شایانی کرده‌اند. کشورهای این حوزه نیز در مقابل در اوج مشکلات و بحران‌های مربوط به سیاست خارجی و به خصوص تحریم‌ها کمک‌های فراوانی به ایران کرده‌اند. تصمیم هوگو چاوز رییس‌جمهور فقید ونزوئلا

برای واردات نفت از ایران و صادرات بنزین به کشورمان در زمانی که تهدیدات امریکا در حوزه نفتی هر روز بیشتر از روز پیش می‌شد، کمک شایانی به پیشبرد اهداف اقتصادی ایران و اجرا شدن طرح هدفمندی یارانه‌ها و سهمیه بندی سوخت کرد. همچنین سیاست‌های ضد استکباری و ضد اسراییلی سران این کشورها در شرایطی که اوپاما عقیده داشت ایران هر روز منزوی‌تر از روز قبل می‌شود، با ایجاد روابط دیپلماتیک قوی بین کشورهای این حوزه و ایران اهداف دولت ایالات متحده در نزدیکی مرزهای این کشور را با شکست مواجه کرد. به همین دلیل است که نمایندگان کنگره از ۳ سال پیش تاکنون بیشترین فشارها را بر دولت اوپاما وارد می‌کنند تا مانع از نفوذ ایران در منطقه امریکای لاتین شود. نمایندگان کنگره در این زمینه به احتمال نفوذ سپاه پاسداران و همچنین نیروی قدرتمند حزب الله در منطقه اشاره می‌کنند اما ترس اصلی آنان از نفوذ ایران در این منطقه و دور زدن تحریم هاست. چرا که این همان روشی است که امریکا سال‌ها پیش در منطقه خاور میانه در پیش گرفت و امروز خاورمیانه را جزئی از منطقه متأثر از تصمیمات سیاسی‌اش می‌داند. ایران نیز در زمانه‌ای که غفلت و وابستگی کشورهای مسلمان منطقه به بالاترین میزان خود رسیده، همان سیاست را در منطقه تحت نفوذ خود در امریکای لاتین انجام می‌دهد. (باقری و شفیع، ۱۳۹۳: ۲۴۵)

با توجه به وظایف تعریف شده در برنامه دوم و سوم توسعه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جهت تنظیم روابط، ایران اهداف کلان زیر را از توسعه روابط با منطقه دنبال می‌نماید:

- توسعه روابط منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران با آمریکای لاتین به منظور اتخاذ مواضع مشترک در خصوص مسائل مهم بین‌المللی؛
- بهره‌برداری از قدرت مجموعه‌ای و انفرادی کشورهای منطقه برای حل مسائل بین‌المللی خود از جمله حقوق بشر و پرونده هسته‌ای؛
- توسعه روابط اقتصادی به منظور تنوع سازی در روابط تجاری و ایجاد شرکت‌های مختلط برای سرمایه‌گذاری مشترک.

- توسعه روابط فرهنگی. با توجه به این‌که چهره جمهوری اسلامی ایران طی مدت ۲۰ سال گذشته همواره مورد تهاجم دشمنان قرار داشته، تصویر موجود از ایران در منطقه بر اساس تبلیغات منفی دستگاه‌های خبری و اطلاعاتی غربی و عمدتاً آمریکا شکل گرفته است. این بعد از روابط با توجه به نقش خطیر افکار عمومی در شکل دهی و پشتیبانی از یک رابطه سالم و متوازن و پایدار از اهمیت بسیاری برخوردار است. (منصوری و مقدم، ۱۳۹۰: ۱۲۴)

نزدیکی ایران و آمریکای لاتین

با وجود رویکردهای متفاوت کشورهای منطقه نسبت به جمهوری اسلامی ایران به طور کلی با در نظر گرفتن نگرش و اصول حاکم بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران امکان کار با بیشتر کشورهای منطقه وجود دارد. اصولاً از دید سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، منطقه آمریکای لاتین دارای توانمندی‌های بالقوه و بالفعل بسیاری است که می‌تواند موجد همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه با ایران باشد. در همین راستا جمهوری اسلامی ایران تاکنون با فعال کردن سیاست خود در این منطقه سعی کرده است در وهله اول از طریق توسعه و تحکیم روابط با کشورهای دارای مواضع اصولی و انقلابی در سطح بین‌المللی، ضمن تلاش برای تقویت جبهه مقاومت و گسترش محور جنوب-جنوب به توسعه و بسط روابط اقتصادی و سیاسی خود با کشورهای منطقه نیز مبادرت کند. این فرصت‌ها در دولت نهم و دهم که همزمان با روی کار آمدن تعداد بیشتری از دولت‌های چپگرا در منطقه بوده است، بیش از پیش اهمیت یافت.

اگر در یک دسته بندی کلی، کشورهای منطقه را به سه طیف وابسته به سیاست‌های آمریکا، مخالف سیاست‌های مداخله جویانه این کشور و کشورهای دارای گرایش به اجرای سیاست خارجی مستقل تقسیم بندی کنیم، می‌بینیم که فضا و بستر لازم برای کار با اکثریت این کشورها فراهم شده است، هرچند مشکلات متعددی نیز وجود دارد که این مشکلات عمدتاً به نبود شناخت کافی متقابل ارتباط می‌یابد. از لحاظ تنظیم روابط با کشورهایی که اهداف سیاست خارجی آنها در راستای تامین خواسته‌های آمریکا نیست، امکان گسترش روابط در همه زمینه‌ها وجود دارد و کارهای مهمی نیز در طول سال‌های اخیر انجام شده که ونزوئلا بهترین نمونه آن است. از جمله در صادرات خدمات فنی- مهندسی نظیر خودروسازی، کارخانجات لبنیات، ساختمان سازی، تراکتورسازی، کارخانجات آرد، سیستم‌های آبیاری قطره‌ای و زمین شناسی طرح‌های بسیار مهمی توسط متخصصان ایرانی در حال اجراست که بسیاری از آنها مورد بهره برداری قرار گرفته یا در آینده‌ای نزدیک به بهره برداری خواهد رسید. اما به لحاظ تنظیم روابط با کشورهای دارای سیاست خارجی مستقل می‌توان از بزرگ‌ترین قدرت منطقه‌ای یعنی برزیل نام برد که سفر سال گذشته رییس جمهوری کشورمان و سفیر اخیر "لولا داسیلوا" به تهران در سال جاری و به خصوص ابتکاری که دو کشور در صدور بیانیه تهران به خرج دادند، نشانگر آن است که اراده سیاسی کافی برای گسترش روابط میان دو طرف وجود دارد. در همین سفر

تاکید شد که حجم روابط بازرگانی دو کشور به سرعت باید به ۱۰ میلیارد دلار در سال ارتقا یابد. بنابراین توسعه روابط اقتصادی و بازرگانی جمهوری اسلامی ایران با برزیل با توجه به نقش و وزن سیاسی این کشور در معادلات منطقه‌ای، بین‌المللی و سازمان‌های مهم منطقه‌ای و سیاست‌های اصلی آنها مبنی بر متنوع‌سازی طرف‌های تجاری خود در صورت فراهم شدن بسترهای لازم در یک فرایند زمانی مناسب و برنامه‌ریزی شده، میسر خواهد بود و مانع سیاسی عمده و جدی-ای در رابطه با گسترش روابط بازرگانی و بسط همکاری‌های اقتصادی با این کشور و کشورهای مشابه وجود ندارد.

با توجه به توان قابل توجه کشورمان در زمینه صدور خدمات فنی و مهندسی و جنبه تکمیل‌کنندگی بازارهای دو طرف در صورت اتخاذ راهبرد مناسب این امکان وجود دارد که روابط ایران با آمریکای لاتین بیش از پیش رو به گسترش نهد. حتی در مورد کشورهای هم‌گه‌مدتا در طیف نظام‌های راست‌گرا و متمایل به آمریکا در منطقه قرار دارند، امکان توسعه و رشد مناسبات اقتصادی و تجاری و تقویت روابط با آنها در صورت برنامه‌ریزی مناسب و کسب شناخت بیشتر از فرصت‌های موجود در این کشورها به طور کلی منتفی نیست چرا که با توجه به تمایل این کشورها برای متنوع‌سازی ساختن طرف‌های تجاری خود و دسترسی به بازارهای خاورمیانه و آسیای مرکزی، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند نقش کلیدی در این زمینه ایفا کند. در عین حال موانع توسعه و گسترش روابط ایران و آمریکای لاتین نیز کم نیستند. خطر بروز تغییرات سیاسی در کشورهای آمریکای لاتین و تضعیف احزاب چپ‌گرا، تلاش‌های بسیار گسترده لابی‌صهیونیستی در این کشورها، دخالت‌های فزاینده آمریکا در منطقه، دوری مسافت و نیز فعالیت رقبای قدرتمندی همچون چین و روسیه که از طریق سرمایه‌گذاری، اعطای اعتبار و شیوه‌های دیگر در صدد نفوذ و استیلا بر منابع منطقه هستند، از جمله مشکلات و چالش‌های پیش‌روی گسترش روابط ایران با این کشورهاست.

در حالی که آمریکا همراه با پنج قدرت دیگر رو در روی ایران درباره تامین سوخت راکتور تهران گفت‌وگو می‌کنند، ایران و آمریکای لاتین توافقنامه‌های همکاری و اقتصادی گوناگونی را امضا می‌کنند. قراردادهایی برای همکاری با کشورهایی از جمله برزیل - که قبل از پیوستن به ان.پی.تی، بطور صلح‌آمیز هسته‌ای شده است و امروز در شورای امنیت سازمان ملل عضو موقت است - روی میز کار ایران است. این روزها رابطه ایران با آرژانتین که در اوایل انقلاب با ایران همکاری نزدیکی داشت، جای خود را به روابط ایران با بزرگترین کشور این منطقه، برزیل

داده است و حضور احمدی نژاد در برزیل فصل جدید از روابط ایران با آمریکای لاتین را در پی خواهد داشت. به گزارش خبرنگار سیاسی خارجی خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، بازخوانی رابطه ایران و کشورهای آمریکای لاتین پیش از همه نیازمند بررسی تاریخ روابط این کشورها با همسایه اصلی آنها آمریکاست. (نقیب زاده، ۱۳۹۵: ۵۶)

مبارزه با آمریکا عامل وحدت رهبران کشورهای نوظهور آمریکای لاتین با ایران است. اما از بعد اقتصادی منطقه بسیار وسیع آمریکای لاتین با برخورداری از منابع عظیم نفت و گاز و ظرفیت‌های بالای معدنی، صنعتی و کشاورزی می‌تواند شریک اقتصادی بسیار خوبی برای جمهوری اسلامی ایران باشد، که با افزودن فرصت‌های تجاری و سرمایه‌گذاری به آن می‌توان به توانمندی‌های چشم‌گیری در زمینه اقتصادی دست یافت. در این زمینه ایران، علاوه بر صادرات نفت، از توانایی بالایی برای صادرات خدمات مهندسی و فنی، تولیدات و مصنوعات فولادی و مسی، تولیدات پتروشیمی، تولیدات پلاستیکی و غیره برخوردار است و به واسطه موقعیت ژئواستراتژیک خود در خاورمیانه و توانایی‌های اقتصادی می‌تواند نقش مهمی را در متنوع‌سازی روابط تجاری و اقتصادی کشورهای آمریکای لاتین ایفا نماید. سفرهای متعدد رهبران آمریکای لاتین به تهران و بازدیدهای احمدی‌نژاد از این کشورها، به تقویت جبهه ضد امپریالیستی و توسعه روابط اقتصادی با کشورهایی شده است که هر چند با ایران ایدئولوژی دینی مشترکی ندارند اما منافع یکدیگر را با اتکا بر منابع طبیعی و زیرزمینی تامین می‌کنند و همچنین از حقوق صلح آمیز و انسان دوستانه یکدیگر در سازمان‌های بین‌المللی دفاع می‌کنند. سفر احمدی نژاد به آمریکای لاتین که از امروز (دوشنبه) به مقصد برزیل، ونزوئلا و بولیوی آغاز می‌شود، نیز گامی رو به جلو در توسعه روابط ایران با هم‌پیمانان خود در حیط خلوت آمریکاست. اگرچه ونزوئلا با ایران روابط گرمی دارد و هر دو رییس‌جمهور در آخرین دیدار گروه دو را در برابر گروه ۲۰ تشکیل دادند، اما این اولین سفر یک مقام عالی رتبه ایرانی پس از انقلاب به کشور برزیل است، کشوری که تکنولوژی سوخت گیاهی و منابع اورانیوم غنی دارد که تاکنون به گفته مقام‌های رسمی به بهره‌برداری نرسیده است و یکی از اعضای معاهده خلع سلاح‌های هسته‌ای آمریکای لاتین است. (ضیایی، همشهری آنلاین، ۱۵ دی ۱۳۸۵)

نفوذ استراتژیک ایران در آمریکای لاتین

ایران از نفوذ فرهنگی خود برای دسترسی به گروه‌های بومی و اسلامی موجود در منطقه بهره می‌برد.

روز ۱۸ مارس سال جاری میلادی، جلسه استماع مشترکی توسط کمیته خاورمیانه و شمال آفریقا و کمیته نیم کره غربی کنگره آمریکا درباره نفوذ ایران و حزب الله لبنان در آمریکای مرکزی و جنوبی برگزار شد. این دو کمیته درباره تلاش ایران برای افزایش نفوذ خود در آمریکای لاتین در ظرف ۳۰ سال گذشته همچنین حضور ایران در حملاتی در پرو و اروگوئه و همچنین مرگ دادستان آرژانتینی آلبرتو نیسمن به بحث پرداختند. آنچه که در ادامه می‌آید بخش‌هایی از اظهارات مسئولان کمیته‌ها است. گفتنی است انتشار این اظهارات که مملو از اتهامات غیر قابل اثبات علیه ایران است نه با هدف تایید آنها بلکه با هدف آشنایی با محورهای ایران هراسی در غرب صورت می‌گیرد.

ژوزف ام هومیر، نویسنده کتاب **نفوذ استراتژیک ایران در آمریکا لاتین**: "تقریباً دو سال پیش، من در برابر کمیته دیگری شهادت دادم که از شروع انقلاب ایران از سی سال پیش تا به امروز نفوذ ایران در نیمکره غربی شدیداً افزایش پیدا کرده است. در حال حاضر شواهد کافی برای اعلام این نظر وجود دارد و در عین حال شواهدی نیز وجود دارد که ایران در حال ارزیابی دوباره درباره حضور و فعالیت‌های خود در آمریکای لاتین بوده و این مسئله به دلیل تغییرات گسترده سیاسی و اقتصادی هم تهران و هم در منطقه است. یک سال نیم بعد (به نظرم منظور پس از روی کار آمدن روحانی است) مشخص است که جمهوری اسلامی که وارد مراحل بسیار حساسی از مذاکرات اتمی با ۱+۵ شده است آمریکای لاتین را به عنوان اولویتی استراتژیک برای موقعیت جهانی خود حفظ کرده و این اهمیت نیز رو به افزایش است. در زمان ریاست جمهوری روحانی، ایران به دنبال این است که براساس تحرکات انجام شده در یک دهه گذشته عملیات خود در آمریکای لاتین را گسترش داده و از روابط معمول خود با کشورهای عضو پیمان بلیواری کشورهای آمریکا (ALBA) گذر کند. در مرحله تاکتیکی، ایران از نفوذ فرهنگی خود برای دسترسی پیدا کردن به گروه‌های بومی و اسلامی موجود در منطقه بهره می‌برد. هدف ایران استفاده از ارتباطات مالی و یا سیاسی این گروه‌ها می‌باشد. زمانی که چنین ارتباطی برقرار شد ایران حضور دیپلماتیک خود را مثل حضور در ونزوئلا و کوبا افزایش داده و یا مثل اتفاقی که در بولیوی، اکوادور و نیکاراگوئه رخ داد اقدام به تاسیس سفارت جدید می‌کند. براساس

گزارشات چیزی در حدود ۱۴۵ دیپلمات ایرانی در این کشور زندگی می‌کنند. تعدادی که بسیار بیشتر از منافع و تجارت این کشور با ایران به نظر می‌رسد. (mashregnews.ir)

سیاست خارجی دولت روحانی در قبال آمریکای لاتین

آمریکای لاتین از جمله مناطقی در دنیا است که از دیرباز، در قرون بیست و بیست و یکم، علیرغم فاصله جغرافیایی زیاد، همواره به دلایل مختلف در کانون توجه جمهوری اسلامی ایران قرار داشته است. آنچه پیوند کشورمان و آن منطقه را تاکنون ثابت نگه داشته است، وجود اشتراکات متعدد در بسیاری از زمینه‌های فرهنگی، ایدئولوژیک و سیاسی است. پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ میلادی، مصادف با تحولات عظیم و مبارزات اجتماعی و نسبتاً همسو در آمریکای لاتین بود؛ رخدادهایی که بعداً خود دلیل گستردگی مناسبات ایران و آن منطقه شد. دکتر حسن روحانی بارها در سخنان خود اصول و محورهای سیاست خارجی دولت تدبیر و امید را در چارچوب «تعامل سازنده با جهان» معرفی نمودند و از آن به عنوان کلیدی برای حل مشکلات سیاسی و اقتصادی کشور یاد کردند. «ما برای اینکه به اهداف ملی دست پیدا کنیم و برای اینکه کشور را از تحریم ظالمانه نجات دهیم و برای اینکه روابطمان را با دنیا بر اساس تعامل سازنده بنیان گذاری کنیم، در این عرصه ورود کرده‌ایم.»* از جمله محورهای سیاست خارجی دولت یازدهم عبارت‌اند از: دوری از تنش و تنش زدایی، عقلانیت و تدبیر در عرصه سیاست خارجی، اعتماد سازی بین‌المللی، بهبود چهره و پرستیژ ایران در دنیا، دیپلماسی فعال و پویا، تلاش برای توازن سطح مناسبات با کشورها به خصوص همسایگان ایران و حل مسئله هسته‌ای به وسیله یک توافق برد-برد با کشورهای عضو گروه ۵+۱.

از ابتدای کار دولت یازدهم، روابط ایران و کشورهای آمریکای لاتین دستخوش تحولاتی بوده است. کابینه تدبیر و امید تا دو سال پس از روی کار آمدن، بیشتر تلاش خود را صرف رفع تحریم‌های ظالمانه اقتصادی و حل مسئله هسته‌ای از طریق مذاکره با کشورهای گروه منسوب به ۵+۱ کرد. تعطیل کردن دفاتر شرکت ملی نفت ایران در ونزوئلا و بولیوی و به «صفر» رساندن سطح مبادلات اقتصادی با کشورهای منطقه آمریکای لاتین، از سیاست‌های «اعمالی» دولت یازدهم (در ابتدای کار خود) بوده است. کاهش سطح مناسبات دو طرف نسبت به دول

* - سخنان دکتر حسن روحانی، در تبیین اهداف خود برای ورود به یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری

نهم و دهم، در دیدار مقامات سیاسی نیز مشهود بوده است. برای مثال با وجود تأکید گفتاری مسئولان دولتی ایران مبنی بر اختصاص اهمیت ویژه به آمریکای لاتین، هنوز پس از گذشت نزدیک به ۳ سال از عمر دولت یازدهم، آقایان روحانی و ظریف، رئیس‌جمهور و وزیر خارجه کشورمان، هیچگونه سفری به این منطقه نداشته‌اند که این مسئله خود به وضوح سطح پایین اولویت بندی آمریکای لاتین نسبت به سایر نقاط جهان را در سیاست خارجی ایران نشان می‌دهد. (موسوی. hadinews.ir. 1395/01/30)

حصول توافق برنامه جامع اقدام مشترک بین ایران و کشورهای ۱+۵ بر سر مسئله هسته‌ای موسوم به «برجام»، واکنش‌های فراوانی را در بین کشورهای آمریکای لاتین به همراه داشت. وزارت خارجه برزیل با ارسال پیامی، خرسندی مضاعف خود را از این توافق اعلام کرد و اراده سیاسی طرفین را ستود. دولت مکزیک، در پیام خود، از جهانی‌سازی از سلاح هسته‌ای حمایت و اظهار امیدواری کرد که این توافق به گسترش نقش ایران در ایجاد ثبات در خاورمیانه و دنیا بینجامد. به عقیده دولت کاستاریکا، برجام امیدها را در قبال اراده جامعه جهانی برای حصول جهانی‌سازی از سلاح هسته‌ای زنده می‌کند. رئیس‌جمهور کلمبیا، برجام را «نشانه پیروزی دیپلماسی بر تقابل و برخورد» دانست. وی این توافق را به همتای آمریکایی خود و جان کری، وزیر خارجه ایالات متحده آمریکا، تبریک گفت و «شجاعت» آنها را در این زمینه ستود. دولت آرژانتین نیز رضایت خود را اظهار و تأکید کرد که این توافق راه حلی جامع برای امنیت و عدم اشاعه (هسته‌ای) در جهان است. جمهوری بولیواری ونزوئلا هم این «پیروزی مهم» ایران را به دولت و ملت کشورمان تبریک گفت و بر پایبندی خود بر اتحاد راهبری با ایران تأکید کرد. آمریکا نمی‌خواهد این اصل را بپذیرد که نفوذ خزنده ایران در آمریکای لاتین بگونه‌ای بوده است که هم اینک اشتراکات ایران با آمریکای لاتین را در حد و اندازه‌ای بسیار بیشتر از مصالح و منافع مشترک این کشورها با ایالات متحده قرار داده است. تبعیت از اصل «تنوع در سیاست داخلی» و «استمرار و تداوم در سیاست خارجی» البته با نگاه ویژه به پیشبرد و تحقق ارزش‌ها و آرمان‌های فرامرزی و جهان شمول انقلاب اسلامی ایران، یکی از رهیافت‌های کلانی می‌باشد که در طول سال‌های پس از انقلاب همواره قابل مشاهده بوده و در حقیقت محوریت سیاست خارجی ایران را تشکیل داده است. در این راستا، باید از سه اصل مهم «حکمت، عزت و مصلحت» نام برد، که به عنوان اصول بنیادین و محوری در روابط خارجی مطرح بوده، کما اینکه سیاست خارجی جمهوری اسلامی نیز بر مبنای آنها شکل گرفته و در مقاطع گوناگون مبتنی بر این سه

اصل در معادلات نظام جهانی به تعریف منافع ملی و فراملی خویش پرداخته و نقش آفرینی نموده است. در واقع، سه اصل مذکور را بایستی به عنوان گفتمان محوری در مناسبات خارجی و به قول رهبر معظم انقلاب به عنوان «مثلث الزامی برای چارچوب ارتباط بین‌المللی» قلمداد نمود، که تعامل ایران با جهان را نیز در سند چشم انداز بیست ساله کشور بر مبنای این سه اصل پیش بینی کرده است. (tabyincenter.ir)

از مهم‌ترین دیدارهای دیگر، دیدار مورالس بولیویایی و آقای روحانی پس از نشست سران کشورهای صادرکننده گاز در تهران بود که نماینده ایران در این جلسه خود را برای انتقال تجربیات و توانمندی‌های مختلف فنی، مهندسی و کشاورزی اعلام و بر ضرورت اجرای تفاهم نامه ها و تکمیل پروژه های باقی مانده تأکید کرد. به علاوه ماحصل این سفر، بیانیه ای با ۱۴ بند شد. در این بیانیه طرفین، ضمن حمایت از حقوق بین المللی یکدیگر در مجامع مختلف، علاقه مندی متقابل خود را در زمینه پیشرفت همکاری‌هایی که منجر به انتقال فناوری و استقرار ظرفیت‌ها در زمینه انرژی‌های جایگزین، مدیریت پایدار آب، پزشکی، کشاورزی، هیدروکربن‌ها، فناوری نانو و... می‌شود، ابراز نمودند و همچنین بر برقراری سریع همکاری‌های بانکی و امضای موافقتنامه‌های پایه اقتصادی شامل تشویق و حمایت متقابل از سرمایه‌گذاری، اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و همکاری‌های گمرکی - که بسترساز توسعه و گسترش هر چه بیشتر روابط فی ما بین خواهد بود - به ویژه با توجه به لغو تحریم‌های ناعادلانه بانکی و مالی با اجرای برجام، تأکید کردند. در دیدار وزیر خارجه برزیل هم، رئیس جمهور کشورمان عرضه داشت که هیچ مانعی بر سر راه توسعه روابط با برازیلیا نیست و ایران برای تقویت روابط خوب خود با برزیل به عنوان یک کشور مؤثر با اقتصاد رو به پیش در منطقه آمریکای لاتین، اهمیت ویژه‌ای قائل است. «مائورو وییرا» نیز با بیان این که در این سفر برنامه‌ای برای اقداماتی که لازم است جهت گسترش روابط دو کشور در ماه‌های آینده انجام شود، تنظیم شد، افزود: «برزیل خواستار روابطی نزدیک تر و قوی تر در عرصه‌های اقتصادی و سیاسی با ایران است و معتقدیم باید یک مسیر دوطرفه در همکاری‌های اقتصادی بین دو طرف ایجاد شود، چرا که ایران و برزیل پتانسیل ایفای نقش مکمل را در عرصه اقتصادی با یکدیگر دارند.

نتیجه‌گیری

روابط با آمریکای لاتین با گذشته پیشرفت محسوسی نداشته است. آمریکای لاتین با توجه به دو موضوع مهمی که از قبل از انقلاب تاکنون وجود داشته است، یعنی عدم شناخت کامل بین ایران و آمریکای لاتین از نظر ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و همچنین متمرکز نشدن روی یکدیگر، یعنی هم ایران و هم آمریکای لاتین هیچکدام نتوانسته‌اند روی موضوع شناخت یکدیگر و کار با یکدیگر متمرکز شوند. اگرچه در گذشته اعلام می‌شد که کار با آمریکای لاتین در اولویت قرار گرفته است، اما کار نکردن هم ایران و هم آمریکای لاتین هنوز به مرحله کامل خود نرسیده است، یعنی هر دو طرف آن چنان که باید و شاید کار نمی‌کنند. اگر ما بخواهیم قدرت‌های عمده را در آمریکای لاتین بشماریم در ابتدا برزیل و آرژانتین و در درجات بعدی کشورهای دیگر در آن منطقه قدرت‌های عمده هستند. در محدوده آمریکای لاتین مستعمرات سابق اسپانیا اسپانیولی زبان هستند. مستعمرات پرتغالی‌ها، برزیل و دو کشور دیگر در آن منطقه هستند. سفرهای سیاسی و هیئت‌های اقتصادی و سیاسی ما زمانی که صورت بگیرد و در ارتباط با کارهای مشترک بررسی شود، قطعاً راهکارها می‌تواند با این مبناها تدوین شود و قطعاً با توجه به این که سفرهایی که از طرف‌های منطقه آمریکای لاتین به داخل انجام شده، سفر مقامات ما به این منطقه قطعاً می‌تواند در حل و فصل مواردی که روابط کشورهای آمریکای لاتین با ایران را تحت تاثیر قرار می‌دهد را کمتر کند و از تحولات درونی آن کشورها آگاه‌تر شویم.

- عدم شناخت کافی از یکدیگر که باید این شناخت به وجود آید.
- متمرکز نشدن روی موضوعات کاری و تصمیم در رابطه با کار با یکدیگر
- عدم مدیریت به صورت پیوسته، یعنی پیگیری مدیریت ارتقا روابط به صورت پیوسته ولو آهسته می‌تواند موجب جهش در آینده کار با منطقه شود.

مهمترین مساله‌ای که می‌تواند خط مشی روابط را در آینده تعیین کند، منطقی کردن انتظارات ایران و کشورهای آمریکای لاتین از یکدیگر است. برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی در ۸ سال گذشته باید مولفه‌های متعددی را در نظر داشته باشیم. اگر قرار باشد در ساختاری تئوریک قضیه را بررسی کنیم، سیستم سیاست خارجی را می‌توان همزمان در چارچوب تصمیم‌گیری فردی تا ساختاری مساله دید. در تصمیم‌گیری فردی نوع نگاه آرمان‌رایی با رگه‌های صریح مهدوی‌گرایی صرف آقای احمدی‌نژاد با نگرش آرمان‌گرایانه هوگو چاوز پیوند خورد.

ضمن اینکه می‌دانید در شرایط کنونی متغیر تصمیم‌گیری فردی بدترین انتخاب در سیاست خارجی است و در کشورهای دموکراتیک کسی آن را به کار نمی‌گیرد. ساختار دیپلماسی کلی آقای احمدی نژاد را حتماً با دید ماهدویت باید بررسی کرد. همه گفتار، کردار و سایر قرائن ایشان و نزدیکانش نیز این رویکرد را نشان می‌دهد. علاقه شخصی رئیس‌جمهور به این منطقه بر دیپلماسی کشور تاثیر گذاشت. سیگنال‌هایی که او از جنبش‌های چپ‌گرای منطقه همراه با عدالت طلبی دید برایش به نوعی نویدرهایی آخرازمانی داشت. وقتی مولفه‌هایی مانند شور و اشتیاق و احساسات شخصی وارد دیپلماسی و منافع ملی می‌شود، قاعده بازی دیپلماسی بهم می‌خورد و چارچوب‌ها شکلی غیرمتعارف به خود می‌گیرد. یک رئیس‌جمهور با ادراک شرایط باید بین دوستی با منافع ملی حد و مرز قائل شود. در بخش ساختاری جمهوری اسلامی هم، مهمترین انگیزه یافتن راه‌هایی برای شکستن تحریم‌ها و دستور کار ایدئولوژیک مبارزه با ایالات متحده بوده است. شاید انگیزه‌های دیگری هم باشد که من از آن مطلع نیستم. نگرشی که این کشورها نسبت به سایر کشورها از جمله جمهوری اسلامی دارند را تنها می‌توان در چارچوب منافع ملی و قواعد زیر مجموعه آن دید. منطق هزینه - فایده فرمول دائم این کشورها در سیاست خارجی است. برزیل اگر به ایران می‌نگرد و یا وارد بازی حل معادله هسته‌ای می‌شود برای تقویت پرستیژ جهانی‌اش در چانه زنی با ایالات متحده است تا جایگاه جهانی خود را که دستور کار همیشگی اوست، ارتقا ببخشد. آرژانتین هم اگر وارد روابط با ایران می‌شود متقابلاً به رای ایران در حل و فصل مشکلات خود را انگلیس در مساله‌اش راجع به مالویناس امید می‌بندد. در واقع بررسی مسایل روابط دوجانبه را همیشه باید با منطق رئالیستی بررسی شود.

با توجه به مطالب و اطلاعاتی که ارائه شد، عمده چالش‌ها و مشکلات اساسی کنونی و پیش‌روی سیاست خارجی ایران در رابطه با آمریکای لاتین به شرح زیر هستند: الف- تضعیف دولت‌های چپ‌گرای دهه گذشته و به عبارت دیگر متحدان اساسی ایران در آن منطقه، با رخ دادن تحولاتی از قبیل برقراری مجدد روابط آمریکا و کوبا، قدرت گرفتن حزب مخالف در مجلس ونزوئلا، روی کار آمدن رئیس‌جمهور راست‌گرا در آرژانتین، عدم توافق ملی با انتخاب مجدد مورالس برای ریاست جمهوری بولیوی و اگر قرار باشد ضعف‌های سیاست خارجی ما در حوزه آمریکای لاتین بررسی شود، باید از داخل آن را آسیب شناسی کنیم. مهمترین اصل این است که وزارت امور خارجه نقش اصلی و اساسی خود را در کارشناسی روابط پیدا کند و کارشناسی مبنای اصلی برای ارزیابی و واقع‌نمایی‌ها قرار گیرد. در طول سالیان گذشته کارشناسان زیادی

تربیت شده آنها باید بنشینند روابط را کارشناسی کنند، منافع و ضررها را بر اساس هزینه و فایده به رئیس دولت بگویند. من فکر می‌کنم دولت قبلی خود را بی‌نیاز از مشاوره کارشناسی می‌دید. دوم اینکه حرکت بر مبنای میزان توانمندی کشور و وزن ما در جهان باشد، محاسبات تخیلی و توهمی که اساس کار نمی‌شود. دیپلماسی هم مانند تمام تصمیمات داخلی نیاز به پشتیبانی مردمی دارد. دیپلماسی بخشی از امانت حکومت است که مردم در انتخابات به برنامه‌های رئیس جمهور می‌دهند. باید براساس واقع‌گرایی پیش برویم، آرمان‌گرایی کور و بی‌نتیجه همه‌اش ضرر است. مساله بعدی اولویت سیاست خارجی است. می‌گویند دوری این کشورها از ایران مانعی در روابط نیست، برعکس من فکر می‌کنم هست، محاسبه ابتدایی حمل و نقل کالا و مسافر با پاکستان و عراق و ترکمنستان بیشتر است یا برزیل و شیلی و اکودور؟ در مسائل بازرگانی، فرهنگی و ارتباطات مدنی، بله روابط باید با همه همیشه باشد، دست‌تجار و بازرگانان باز باشد، اما پیمان دفاعی و امنیتی با افغانستان و پاکستان مهم است یا بولیوی و کوبا؟ ما باید با اولویت ابتدا واقعا به همسایگان برای ایجاد عراق و پاکستان و افغانستانی امن و با ثبات برای ایجاد بلوک منطقه‌ای اقتصادی کمک کنیم بعد اولویت ما با آمریکای لاتین باشد.

مهمترین مساله‌ای که می‌تواند خط مشی روابط را در آینده تعیین کند، منطقی کردن انتظارات ایران و این کشورها از یکدیگر است. اگر پایه روابط بر مبنای احترام متقابل، نیازهای مشترک در حوزه‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی تعریف شود و فضای رابطه در خط سیری طبیعی پیش برود، همگرایی با توجه به خط سیر کشورهای منطقه به سمت کاهش وابستگی آنها به آمریکایی‌ها بیشتر خواهد بود و جمهوری اسلامی یکی از شرکای آنها در کنار دیگر شرکای بین‌المللی خواهد بود.

بزرگ‌نمایی و اغماض از واقعیت‌های جاری فرهنگی و سیاسی منطقه و انتظار داشتن روابط متناسب با نظر و الگوی ما به سرعت واگرایی را نه تنها در این منطقه بلکه در همه جای جهان بیشتر می‌کند. ما باید درک کنیم که در صحنه روابط بین‌الملل کنش‌گران فعالی برای منافع ملی خود تلاش می‌کنند و کسی حق دیگری را به او تعارف نمی‌کند. لذا باید پوست کلفت و غیر حساس داشته باشیم، میزان چانه زنی را به شدت بالا ببریم، گرایش و نیازهای طرف مقابل را بشناسیم، از ورود به حوزه‌هایی که شائبه مداخله دارد به شدت پرهیز کنیم، از اظهار نظرهای غیرکارشناسی مسئولان غیرمرتبط - نه رسانه‌ها و کارشناسان آزاد و مستقل - با پرونده

سیاست خارجی جلوگیری کنیم، و نظمی به سیاست خارجی بدهیم، این گام‌ها روابط خارجی بدهیم، این گام‌ها روابط خارجی ما را تسهیل می‌کند و به طور طبیعی در این حوزه هم اثرگذار است.



منابع فارسی:

کتاب

- جان بیلیس و استیو اسمیت (۱۳۸۳)، جهانی شدن سیاست؛ روابط بین‌الملل در عصر نوین، تهران، انتشارات ابرار معاصر
- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۸۵)، روابط خارجی ایران (بعد از انقلاب اسلامی)، تهران، وزارت امور خارجه
- جیمز دوئرتی و رابرت فالتزگراف (۱۳۸۴)، نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل، مترجمین: دکتر وحید بزرگی، علیرضا طیب، نشر قومس
- علی باقری و محسن شیعی (۱۳۹۳)، از هاشمی تا روحانی، تهران؛ تیسرا
- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۴)، روابط بین‌الملل؛ نظریه‌ها و رویکردها، انتشارات سمت

مقالات

- عبدالهی، محسن، بهار (۱۳۹۰)، جهانی شدن و تجربه نوین حکومتی (تجربه امریکای لاتین)، سیاست، دوره ۴۱
- علی حسینی و ابراهیمی، زمستان (۱۳۹۱)، نقاط اشتراک ایران و امریکای لاتین در تقابل با سیاست‌های امریکا، تحقیقات سیاسی و بین‌المللی
- عیوضی، محمد رحیم، تابستان (۱۳۸۷)، تحلیلی بر سیاست خارجی احمدی نژاد، راهبرد، شماره ۱۴
- لطفعلی پور و دیگران، تابستان (۱۳۹۰)، بررسی همگرایی اقتصادی ایران و امریکای لاتین و...، پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، شماره سوم
- قوام، عبدالعلی، بهار (۱۳۷۹)، جنوب عرصه‌یی برای آزمون نظریه‌ها و رویکردهای روابط بین‌الملل، فصلنامه سیاست خارجی، سال چهاردهم، شماره ۱
- مقدم منصوری و اسمعیلی، بهار (۱۳۹۰)، تحلیلی بر سیاست خارجی احمدی نژاد با امریکای لاتین بر اساس مدل روزنا، سیاست، شماره ۴۱